



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم / شماره هفاد و دوم / تابستان ۱۴۰۳

رهبری در انقلاب اسلامی و انقلاب روسیه (بررسی مقایسه‌ای)*

علیرضا زمزم^۱

چکیده

انقلاب تحولی پیچیده و عمیق است که در آن قدرت از طریق غیرمسالمت‌آمیز تغییر می‌کند. در هر انقلاب سه رکن اصلی وجود دارد که از طریق هم‌افزایی نقش خود را ایفا می‌کنند. این سه رکن عبارتند از ایدئولوژی، رهبری و مردم. یکی از مسائل مهم هر انقلاب، نقش و گستره رهبری آن است. نویسنده در این مقاله با استفاده از روش سنجشی - مقایسه‌ای درصدد بررسی نقش و به ویژه گستره رهبری در انقلاب اسلامی ایران و انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه است. در حالی که در انقلاب اسلامی ایران رهبری امام خمینی علیه‌السلام فراگیر و دربرگیرنده جلوه‌های مختلف فکری، بسیج‌گر و مدیر بود، در انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه، این گستردگی و فراگیری رهبری در هر سه مرحله نهضت، انقلاب و نظام‌سازی وجود نداشت و رهبری در این انقلاب به مرحله بعد از پیروزی انقلاب محدود می‌شد. روش پژوهش مقایسه‌ای - سنجشی است. در این روش نویسنده افزون بر همگونی‌ها و اشتراکات، درصدد بررسی ناهمگونی‌ها و افتراقات در خصوص انقلاب و رهبری در دو کشور ایران و روسیه است. یافته پژوهش عبارت از این است که در انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب هر سه جلوه رهبری فکری، بسیج‌گر و سیاست‌گذاری انقلاب اسلامی را به صورت تام عهده‌دار بود، در انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه افزون بر تعدد رهبران، تجمیع جلوه‌های رهبری وجود نداشت.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، ایران، امام خمینی علیه‌السلام، رهبری، انقلاب روسیه.

مقدمه

انقلاب تحولی پیچیده و سریع برای اهدافی معین است. در این تحول همزمان با ناتوانی رژیم مستقر در به کارگیری از قوه زور و سرکوب، بر قدرت مخالفان برای قبضه قدرت، افزوده می‌شود. درحالی که قدرت سیاسی درصدد حفظ وضع موجود است، هدف قدرت اجتماعی تغییر وضع موجود و ایجاد ساخت جدید قدرت است. این تحول فشرده و عمیق، افزون بر دارا بودن ایدئولوژی و بسیج توده‌ای، نیازمند رهبری و سازماندهی است. ضرورت رهبری (فردی یا

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۲

۱. استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران.

گروهی) در انقلاب‌ها، معطوف به فعال‌سازی نارضایتی‌ها در چارچوب ایدئولوژی است. مهارت در به چالش کشیدن جهان‌بینی موجود و ارائه جهان‌بینی جدید، شرط این فعال‌سازی است. در مقایسه دو انقلاب ایران و روسیه موضوعات مختلفی از قبیل وضعیت قدرت قبل و بعد از انقلاب از جهت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، بین‌المللی و... رامی‌توان مدنظر قرار داد. از نظر نویسنده یکی از مسائل مهم هر انقلاب نقش و گستره رهبری در سطوح مختلف و مراحل پیشینی و پسینی انقلاب است، لذا در این مقاله درصدد بررسی مقایسه‌ای گستره رهبری در انقلاب اسلامی و انقلاب روسیه هستیم. سوال اصلی معطوف به تفاوت رهبران دو انقلاب از حیث دامنه رهبری و تجمیع جلوه‌های آن است. در حالی که در انقلاب اسلامی ایران، رهبری امام خمینی رحمه‌الله‌تعالیه فراگیر و در برگیرنده هر سه مرحله نهضت، انقلاب و نظام‌سازی و نیز تام بود و همین فراگیری رهبری از علل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی شد، در انقلاب فوریه روسیه این فراگیری در رهبری و تام بودن آن وجود نداشت.

از نظر پیشینه یک کتاب تحت عنوان *انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب فرانسه و روسیه* اثر منوچهر محمدی نوشته شده است که در آن به مباحثی کلی درخصوص وضعیت قبل و بعد از انقلاب در سه کشور ایران، روسیه و فرانسه پرداخته است. اثر دیگر پایان‌نامه مطالعه تطبیقی تئوری انقلاب تروتسکی و انقلاب ایران مقطع کارشناسی ارشد توسط نویسنده است که معطوف به تئوری‌ها و نظریه‌های انقلاب است. حلقه مفقوده آثار یاد شده مؤلفه رهبری به ویژه جلوه‌های مختلف آن در دو انقلاب ایران و روسیه است که این مقاله درصدد بررسی آن است.

بحث

۱. رهبری و انقلاب

در مورد رهبری و انقلاب به دو مطلب نقش رهبران در انقلاب‌ها و تقسیم‌بندی رهبران انقلاب‌ها اشاره می‌شود.

الف) نقش رهبران در انقلاب‌ها

نقش رهبران در انقلاب‌ها از مسائل مهم هر تحول انقلابی است. این نقش در هر دو جنبه رهبری فردی و گروهی حائز اهمیت است. اهمیت این نقش در حدی است که در نبود آن، امکان شکل‌گیری جنگ داخلی بسیار زیاد است. نقش رهبری خاص منازعه انقلابی نیست. نویسنده‌ای اهمیت رهبری و ارتباط آن با عوامل دیگر قدرت را در زمان جنگ مطرح می‌کند (مقتدر، ۱۳۷۰: ۹۸). نویسنده‌ای دیگر قدرت ملی دولت‌ها را متأثر از موقعیت رهبران

آنها می‌داند و معتقد است:

رهبری از جنبه‌های مختلف می‌تواند در اتخاذ تصمیمات و سیاست‌ها در داخل و خارج مورد توجه قرار گیرد... نحوه تجهیز و به کارگیری منابع مادی و معنوی، بهره‌گیری از ایدئولوژی برای ایجاد و تقویت همبستگی و یکپارچگی اجتماعی و... همه و همه بستگی به عامل رهبری دارد (قوام، ۱۳۷۲ ش: ۸۴).

از نظر بشیریه «مهم‌ترین وظیفه رهبری ایجاد یگانگی و سازماندهی است» (بشیریه، ۱۳۸۴ ش: ۸۸).

از نظر وی «بسیج انقلابی نیازمند رهبری است. رهبران اهداف جنبش را روشن می‌کنند، درباره شیوه برخورد با حکومت تصمیم می‌گیرند، وضع موجود را براساس ایدئولوژی بسیج تحلیل می‌کنند...» (همان).

نقش رهبران در انقلاب‌ها گسترده و وسیع است و شامل مواردی از قبیل:

فعال سازی نارضایتی از وضع موجود، برانگیختن روحیه انقلابی، بیان و گسترش اندیشه و ایدئولوژی جدید، تنظیم و برنامه ریزی راهبردهای حرکت انقلابی، بسیج کردن و به صحنه آوردن توده‌ها، ترسیم و برقراری نظام سیاسی جدید و نیز تلاش برای رسیدن به اهداف و شعارهای انقلابی پس از پیروزی می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶ ش: ۲۶؛ ملکوتیان، ۱۳۸۷ ش: ۳۰-۳۱).

در *نهج البلاغه*، نقش و جایگاه رهبر، به ستون و قطب (نهج البلاغه، خ ۳، ۹) و بند تسبیح (نهج البلاغه، خ ۱۴۶، ۱۴۱-۱۴۲) تشبیه شده است. حاکم بسان قطب و محور است که جامعه حول او معنا می‌یابد و کار ویژه رهبری جهت دادن و انسجام بخشیدن به جامعه مثل جهت دادن بند تسبیح به دانه‌هاست.

ب) تقسیم‌بندی رهبران انقلاب‌ها

با توجه به مراحل قبل و بعد از وقوع انقلاب، رهبران این پدیده به سه جلوه متفاوت تقسیم می‌شوند «رهبران فکری یا ایدئولوژی پرداز، رهبران بسیج گر یا کاریزمایی، رهبران سیاست گذار و مدیر» (بشیریه، ۱۳۸۴ ش: ۹۲). این سه جلوه با عنوان سه نقش ایدئولوژیک انقلاب، فرمانده انقلاب، و معمار انقلاب نیز مطرح شده‌اند (محمدی، ۱۳۷۰ ش: ۱۴۹-۱۵۰؛ ۱۳۷۳ ش: ۴۵).

رهبر نخست در واقع استراتژیست انقلاب است که سال‌ها قبل از وقوع آن ظهور می‌کند و طرح و استراتژی انقلاب را ارائه می‌دهد. کار ویژه اصلی این رهبر به چالش کشیدن ارزش‌های حاکم بر رژیم مستقر و ارائه جهان بینی جدید و نظام سیاسی جدید است که در قالب دو مرحله

انجام می‌گیرد. یعنی نفی وضع موجود و اثبات نظم جدید. رهبر دوم زمانی به صحنه می‌آید که طرح رهبر نخست مورد پذیرش مردم قرار گیرد. این رهبر باید مهارت در تشویق و رهبری مردم برای حضور در این مرحله را داشته باشد تا بتواند از این رهگذر رژیم مستقر را تغییر دهد. با سقوط رژیم مستقر، رهبر در قامت مدیر و معمار ظاهر می‌شود. با توجه به پراکندگی و تعدد مراکز تصمیم‌گیری در این مرحله، تلاش برای روتین کردن انقلاب ضروری است. این مهم از طریق نظام مند و قانونمند کردن انقلاب انجام می‌گیرد. هر کدام از مراحل سه‌گانه می‌تواند رهبر خاص خود را به صورت فردی، گروهی یا ساختاری داشته باشد و ممکن است یک فرد تمامی مراحل سه‌گانه را رهبری کند.

۲. رهبری در انقلاب روسیه

مارکسیسم انقلاب را در مرحله‌ای از تاریخ اجتناب‌ناپذیر می‌داند. چون از نظر آنان تاریخ همواره در حال پیشرفت و مراحل آن متمایز از هم است. از نظر مارکسیست‌ها «انقلاب کلاسیک تحلیل اقتصادی و بر پایه دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی مارکس است» (محمدی، ۱۳۷۳: ۲۲).

الف) رهبری فکری و ایدئولوژی‌پرداز

انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه مثل انقلاب فرانسه، در دوران شکل‌گیری و قبل از سقوط رژیم رومانوف‌ها از رهبری فکری شاخصی برخوردار نبوده است. به زبان دیگر هیچ جریان سیاسی سقوط نظام سیاسی رومانوف‌ها را رهبری نکرده است. رهبران سیاسی مخالف در این مقطع تاریخی خارج از روسیه در تبعید یا زندانی بودند (جان فورن، ۱۳۸۶: ۶۶). «سقوط رژیم تزاری در فوریه ۱۹۱۷ ناشی از حرکت و قیامی بود که توسط سربازان پادگان و کارگران کارخانجات پتروگرااد انجام شد. این قیام از رهبری خاصی برخوردار نبود بلشویک‌ها هنوز مخفی بودند. حرکت فوریه از این جهت که برای نظام جایگزین طرح و نقشه نداشت، شباهت آن با شورش بیشتر است. لذا محققین انقلاب روسیه، سقوط رومانوف‌ها را در نتیجه یکی از خود جوش‌ترین انقلاب‌ها می‌دانند و هیچ گروهی حتی بلشویک‌ها، ادعای رهبری انقلاب فوریه را ندارند.

بنابراین در انقلاب فوریه ۱۹۱۷ رهبر شاخص و با طرح و برنامه مشخص وجود نداشت یعنی تحولی با حرکت خود جوش سربازان و کارگران شکل گرفت. گرچه تروتسکی که خود یکی از رهبران تحولات روسیه است، معتقد است:

این کارگران و سربازان تحت تعلیم لنین بوده‌اند (تروتسکی، ۱۳۶۰ش: ج ۱، ۱۵۳).

وی در جای دیگر در پاسخ به این سؤال که چه کسی انقلاب را هدایت کرد، کارگران یا دهقانان می‌نویسد:

این انقلاب را هیچ کس رهبری نکرده است (همان: ۱۴۳).

ب) رهبری بسیج‌گر در انقلاب روسیه

بعد از سقوط رژیم رومانوف‌ها، رقابت جناح‌های سیاسی در کسب قدرت شروع شد. در این دوره، رهبران جناح‌های مخالف رومانوف‌ها عبارتند از:

حزب سوسیال دموکرات روسیه، سوسیالیست‌های انقلابی و کادتها. رهبری جناح اکثریت یعنی بلشویک‌ها بر عهده افرادی مثل لنین، تروتسکی، استالین، کامنف و... و رهبری جناح اقلیت یعنی منشویک‌ها بر عهده کرنسکی و میلیوکف بود.

کارویژه و نقش رهبران بلشویک در این مرحله این بود که با بهره‌گیری از موقعیت هرج و مرج بعد از سقوط رومانوف‌ها، با سازماندهی و با استفاده از خلأ قدرت، دولت موقت و شوراها را کنار زده و با یک حرکت انقلابی قدرت را قبضه کنند. انقلاب روسیه بیش از آن که رهبری شاخص و ایدئولوژی بسیج‌گر داشته باشد، منشأ آن ضعف درونی نظام رومانوف‌ها بود که به تعبیر تروتسکی «رژیم رومانوف‌ها مثل میوه گندیده‌ای بود که با چند تکان فرو افتاده است» (تروتسکی، ۱۳۶۰ش: ج ۱، ۸۳).

البته بعضی نویسندگان در انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه، نقش کمیته پیشرو در دوما و نقش برخی افراد، احزاب و گروه‌های سیاسی را در رهبری جریان انقلابی مطرح می‌کنند (ملکوتیان، ۱۳۸۷ش: ۳۰).

ج) رهبری پس از انقلاب روسیه

در انقلاب روسیه برخلاف ایران در مرحله نظام‌سازی رهبری دیکتاتوری شکل می‌گیرد. لذا نویسنده‌ای ضمن اشاره به جمله «انقلاب در شیوه، دیکتاتورمآبانه ولی در نتیجه، آزادی بخش است» از فردریک انگلس، معتقد است:

واقعیت تاریخی انقلاب‌ها نشان داده است که انقلاب از حیث نتیجه هم حداقل در کوتاه‌مدت موجد دیکتاتوری است (بشیریه، ۱۳۷۴ش: ۱۴۹).

از نظر وی در همه انقلاب‌ها پس از تحکیم قدرت حکومت به تمرکز اداری می‌انجامد و دولت‌های انقلابی با گسترش کنترل و تمرکز سیاسی و توسعه نیروهای سرکوب برای جلوگیری

از منازعه اجتماعی و مهار نیروهای گریز از مرکز سلطه خود را کامل می‌کنند. این وضعیت را در خصوص دوران پس از انقلاب‌ها، جان فورن تحت عنوان: استقرار حکومت اقتدارگرا و دوران ترمیدور یا فرو خفتن جوشش انقلابی تحت سلطه دیکتاتوری مطرح می‌کند (جان فورن، ۱۳۸۶ ش: ۸۷).

وی ضمن اشاره به ترورهای افسارگسیخته روبسپیری در انقلاب فرانسه می‌نویسد: چنین وضعیت‌هایی در تاریخ فعالیت‌های استالینی و مائوئی، برای ریشه‌کن کردن دشمنان خود از جامعه، به حدی علنی است ... که نیاز به ارائه سند و مدرک ندارد (همان: ۸۸).

انقلاب روسیه از جنس دیکتاتوری‌های انقلابی چپ‌گراست که تقریباً همه مؤسسات جامعه مدنی روسیه تزاری را در هم شکست. یک دوره حاکمیت رادیکالیسم چپ‌گرا در روسیه از زمان تصرف قدرت توسط بلشویک‌ها در اکتبر ۱۹۱۷ تا مرگ لنین در سال ۱۹۲۴ است. در این دوره گرچه به دلایلی مثل وجود شرایط بحرانی انقلابی و حضور شوراها سرکوب کامل مسیر نبود، ولی با گذشت زمان به تدریج فعالیت آزاد شوراها و احزاب و آزادی بیان و مطبوعات نادیده گرفته شده و محدودیت‌ها حتی به انحلال مجلسی منجر شد که در آن اکثریت از آن بلشویک‌ها نبود (بشیریه، ۱۳۷۴ ش: ۱۵۷). در تحولات روسیه نقش شوراها به عنوان نماینده توده‌های انقلابی حائز اهمیت است. در دوره‌ای اکثریت شوراها با منشویک‌ها و سوسیالیست‌های انقلابی بود و در تحولات اکتبر ۱۹۱۷ بلشویک‌ها از طریق همین شوراها قدرت را قبضه کردند. منازعات بر سر رهبری قدرت بعد از مرگ لنین تشدید می‌شود که به مرور زمینه شکل‌گیری دیکتاتوری فردی استالین از سال ۱۹۲۹ همزمان با جشن پنجاه سالگی وی فراهم می‌گردد. استالین را خشن‌ترین دیکتاتور روسیه از زمان پتر کبیر می‌دانند:

بی‌رحمی و خشونت در پروسه اجتماعی کردن کشاورزی، ایجاد اردوگاه‌های کار اجباری متمرکز، محاکمات نمایشی بزرگ و کشتار بی‌حساب و کتاب تحمیل سیاست خشک یکنواخت بر مطبوعات، هنر و ادبیات، تاریخ و علوم و سرکوب هر انتقادی ثمره یک ربع قرن دیکتاتوری بی‌رحمانه او بر روسیه شوروی است. بنابراین رهبری در انقلاب روسیه در مرحله بعد از پیروزی در قالب حکومت حزبی و دیکتاتوری متجلی شد. استالین با سرکوب شوراها، احزاب و گروه‌های سیاسی، ایدئولوژی دولتی بلشویکی را توسعه داد به گونه‌ای که از سال ۱۹۲۲ گرایش به تمرکز قدرت در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب زیر نظر استالین افزایش چشمگیری یافت و می‌توانست بلشویم را به صورت ایدئولوژی دولتی مقتدر درآورد که اتحادیه‌ها، شوراها و حزب را از این طریق

تحت سیطره خود قرار دهد. در دوره رهبری خروشچف نیز تحکیم قدرت حزبی مطرح بود. با روی کار آمدن گورباچف در سال ۱۹۸۵ در کنار سلطه توتالیتار، تکثرگرایی نیز مطرح شد (بشیریه، ۱۳۷۴ ش: ۱۷۶).

در مجموع می‌توان گفت، انقلاب فوریه ۱۹۱۷ روسیه، در مرحله نهضت‌سازی و انقلاب رهبر ایدئولوژی پرداز و بسیج‌گر نداشته است. رهبرانی مثل لنین، تروتسکی و استالین در مرحله نظام‌سازی ظهور کردند و توانستند قدرت را که در واقع زائیده ساختار اجتماعی بود از دولت موقت به خاطر ساختار غیرمنسجم و بدون برنامه در اکتبر ۱۹۱۷ در قالب حزب بلشویک قبضه کنند.

۳. رهبری در انقلاب اسلامی ایران

از منظر هستی‌شناسی، انقلاب اسلامی پدیده‌ای مربوط به جهان بینی توحیدی است. در این جهان بینی محور و مدار عالم خداست و انسان بخشی از این هستی است. طبق این جهان بینی تمام نظامات و ساختارهای آن، هماهنگ با قانون حاکم بر این هستی‌شناسی تعریف می‌شود و تجلی حاکمیت تشریعی الهی، افزون بر تبعیت از قوانین الهی، دربرگیرنده زندگی سیاسی و نیز ساختار اجراکننده این قوانین می‌شود. براساس این تلقی از هستی، «حاکمان نیز باید مؤید به تاییدات الهی بوده و منشأ حاکمیت آنان حاکمیت خداوند باشد. بر این اساس، انسان‌ها مکلف به اطاعت از کسانی هستند که خداوند امر به تبعیت از آنها کرده و تجلی حاکمیت الهی هستند...» (عظیمی شوشتری و دیگران، ۱۳۹۷ ش: ۴۲).

از نظر امام خمینی رحمته‌الله علیه، انقلاب اسلامی مشیت الهی بود و با اتکال به خدا و تاییدات غیبی الهی پیروز گردید (موسوی خمینی، ۱۳۷۳ ش: ۱۶۷).

الف) ویژگی‌های شخصیتی و رهبری امام خمینی رحمته‌الله علیه

آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است:

انقلاب اسلامی با همه‌ی انقلاب‌های دیگر متفاوت است، نه یک انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی است، نه یک انقلاب صرفاً اقتصادی است، نه یک انقلاب صرفاً سیاسی است، یک انقلاب همه‌جانبه است... (بیانات، ۱۳۸۷/۳/۱۴).

وی معتقد است:

امام بزرگوار ما با تکیه بر تعالیم اسلام ناب محمدی، و با اعتماد به ایمان دینی مردم، و با شجاعت و اخلاص و توکل کم‌نظیر خود، راه مبارزه را در میان سختی‌ها و مصائب

طاقت فرسا گشود... (پیام ۲۱ بهمن ۱۳۷۷، به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی ایران).

وی با اشاره به بهره‌گیری امام خمینی رحمته‌الله علیه از همه وسایل الهی و ملکوتی در انقلاب اسلامی، می‌گوید:

با پیروزی این انقلاب عظیم، عصر جدیدی در مناسبات عالم پدید آمده است. این عصر را باید عصر امام خمینی نامید... (پیام ۱۳۶۹/۳/۱۰، نخستین سالگرد رحلت امام خمینی رحمته‌الله علیه).

شهید باهنر که خود از پیشتازان انقلاب اسلامی بود، با اشاره به پیوند بین مکتب، رهبر وامت و اشاره به نقش امام خمینی رحمته‌الله علیه در انقلاب اسلامی می‌نویسد:

... این رهبری... تجسم رهبری الهی و اسلامی است (باهنر، ۱۳۷۸: ۵۳).

شهید مطهری نیز که از پیشگامان انقلاب است، معتقد است:

... این رهبر جز منطق اسلامی هیچ منطق دیگری را به کار نبرده، پس همین خودش نشان می‌دهد که نهضت ما واقعا یک نهضت اسلامی بود... (مطهری، ۱۳۸۷: ۸۹).

از نظر وی:

اسلام یک دین انقلابی است و خصوصیتش این است که به مردم خودش حس پرخاشگری و حس مبارزه و حس طرد و نفی وضع نامطلوب را می‌دهد... (همان: ۹۰).

وی سه ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گوید:

... ما هیچ نهضتی از نهضت‌های صد ساله اخیر و قبلش را ... نمی‌شناسیم که بتوانیم نهضت موجود و هدف هایش را با آن مقایسه کنیم. تنها نهضتی که شاید بشود این نهضت را با آن مقایسه کرد... نهضت صدر اسلام است... (همان: ۲۶).

از نظر شهید مطهری:

علت این که امام خمینی رحمته‌الله علیه رهبر بلامعارض و بلامنازع این نهضت شد این است که علاوه بر این که واقعا شرایط و مزایای یک رهبر در فرد ایشان جمع بود، ایشان در مسیر فکری و روحی و نیازهای مردم ایران قرار داشت (همان: ۸۶).

یکی از نویسندگان ضمن اشاره به ویژگی‌های منحصر به فرد انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی رحمته‌الله علیه و نقش مذهب به عنوان بنیان و اساس جنبش انقلابی، می‌نویسد:

... جنبش انقلابی ایران دارای بنیادهای مذهبی بود و توسط روحانیون رهبری می-

شد... (احتشامی، ۱۳۷۸ ش: ۲۰۲).

امام خمینی رحمته الله علیه عامل متحدکننده نیروهای متفاوت فکری در انقلاب اسلامی بود. این نقش باعث گردید بعضی نظریه پردازان از قبیل تدا اسکاچ پل نظریات خود در مورد انقلاب را تعدیل کنند (به نقل از هادیان در فراتی، ۱۳۷۷ ش: ۱۷۷). از نظر اسکاچ پل:

... اسلام شیعه اولین منبع برای تجهیز و چارچوب بنیادی انقلاب می باشد و آن را می توان یکی از چند شکل و صورتی دانست که انقلاب ایران را از فرم نرمال انقلاب های زمان ما خارج ساخته است و رهبری عالی این انقلاب به عهده آیت الله خمینی بود... (به نقل از عنایت در فراتی، ۱۳۷۶ ش: ۱۶۱-۱۶۲).

نویسنده ای دیگر با اشاره به جهت گیری گفتمان ها و نیروهای اجتماعی مختلف سیاسی مذهبی از قبیل: اسلام مبارزه جویانه امام خمینی رحمته الله علیه، اسلام رادیکال شریعتی، اسلام لیبرال بازرگان، ملی گرایی دموکراتیک جبهه ملی، مارکسیسم متعارف حزب توده، مارکسیسم رادیکال فدائیان و سوسیالیسم اجتماعی مجاهدین در هنگامه وقوع انقلاب اسلامی و وجه اشتراک همه آنها در دو عنصر پایان اقتدار شاهنشاهی و بازنگری در روابط ایران و آمریکا می نویسد:

[امام] خمینی تجسم بارز این دو خواست بود و حمایت همه بخش های جنبش را جلب کرد و یا این که همه آنها به رهبری نمادین ایشان احترام گذاشتند... (جان فورن، ۱۳۸۶ ش: ۲۷۷).

میشل فوکو فیلسوف فرانسوی که در زمان انقلاب اسلامی در شهرهای تهران و قم شاهد تحولات بوده است در اثر خود تحت عنوان ایرانی ها چه رویایی در سر دارند، باقرائتی پسامدرنیسم درخصوص انقلاب اسلامی می نویسد:

... شخصیت آیت الله خمینی پهلوی به افسانه می زند. هیچ رئیس دولتی و هیچ رهبر سیاسی ای حتی به پشتیبانی همه رسانه های کشورش نمی تواند ادعا کند که مردمش با او پیوند چنین شخصی و چنین نیرومند دارند (فوکو، ۱۳۷۷ ش: ۶۴).

روش امام خمینی رحمته الله علیه، اصلاح حاکمان از طریق پند و اندرز بود. به عبارت دیگر قائل به قاعده تدرج بود یعنی تا جایی که نصحیت و ارشاد تأثیر می گذاشت، از روش انقلاب استفاده نمی کرد. وی اصل را بر هدایت و اصلاح گذاشته بود:

ایدئولوژی تهاجمی یعنی سرنگونی رژیم پهلوی و تلاش برای برقراری ارزش ها و مبانی جدید از طریق ایجاد حکومت اسلامی را مدنظر داشتند، لیکن ایدئولوژی تدافعی را راه اولیه می دانستند (دهشیری، ۱۳۷۹ ش: ۴۸).

از نظر این نویسنده حرکتی را که امام خمینی رحمته الله علیه پایه‌گذاری کرد سه ویژگی داشت: ... اولاً سازمان یافته، ثانیاً زیربنایی و ثالثاً دربرگیرنده حداکثر نیروهای اجتماعی بود (همان: ۲۵).

وی رهبری سیاسی و مذهبی را با هم ممزوج کرد و همین تلفیق، انقلاب اسلامی را از سایر انقلاب‌ها متمایز می‌کرد. امام خمینی رحمته الله علیه با دارا بودن شرایط و صفات خاص به عنوان رهبر بلامنازع انقلاب اسلامی شناخته شد و با تصریح قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸، عالی‌ترین مقام رسمی کشور شد (اصل ۱۱۳). افزون بر این «تجربه نیز عملاً این واقعیت را به شکل رویه‌ای اثبات نموده است» (ایزدی، ۱۳۷۱ ش: ۱۱۳).

ب) جلوه‌های رهبری امام خمینی رحمته الله علیه

رهبری امام خمینی رحمته الله علیه در انقلاب اسلامی از جنبه‌های مختلف در مقایسه با رهبران سایر انقلاب‌ها و نهضت تفاوت ماهوی دارد. افزون بر تفاوت از منظر دینی و مذهبی با رهبران سایر تحولات داخلی و خارجی، تمایز اصلی و شاخص وی با سایر رهبران از جمله انقلاب روسیه، در گستره و فراگیری رهبری اوست. وی هر سه جلوه رهبری نهضت‌ساز، انقلابی و مدیر را دارا بود و به عبارتی به عنوان «ایدئولوژ، بسیج‌گر و مدیر و معمار» (فوزی، ۱۳۸۴ ش: ۵۷) نقش ایفا کرد.

ج) رهبری فکری و ایدئولوژی‌پرداز

رهبری فکری امام خمینی رحمته الله علیه از دهه ۱۳۲۰ با نگارش کتاب کشف اسرار و ارائه بیانیه سیاسی مبنی بر قیام برای خدا و نیز طرح مباحث فکری و فرهنگی در کلاس‌های درس شروع شد. در این دوره تاکتیک امام خمینی رحمته الله علیه آگاهی‌بخشی و روشنگری بود. از یک سو درصدد نفی جهان‌بینی و نظام حاکم بر آن دوره در ایران بود و از سوی دیگر درصدد اثبات نگرش جدید و نظم سیاسی مطلوب بود. در این دوره بخشی از زندگی سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه در خارج از ایران در تبعید بود «فعالیت اصلی وی در این دوره، تبیین اندیشه سیاسی و کادرسازی بود...» (زمزم، ۱۳۹۷ ش: ۵۲).

د) رهبری بسیج‌گر

امام خمینی رحمته الله علیه در قامت رهبر انقلاب، بدون حضور فیزیکی و از راه دور با بهره‌گیری از امکانات، ظرفیت‌ها و نهادهای مدنی دینی از قبیل مساجد و حسینیه‌ها و شکل‌دهی «بسیج جمعی» راهپیمائی‌ها و تجمعات میلیونی را جهت‌دهی کرد. این جهت‌دهی با حضور وی در ایران در بهمن ۱۳۵۷، با سرعت بیشتر و هم‌افزایی افزون‌تر، منجر به پیروزی انقلاب اسلامی

گردید.

هـ رهبری مدیر و سیاست‌گذار

با سقوط رژیم شاهنشاهی، وی عهده‌دار رهبری مدیر و سیاست‌گذار شد که مهم‌ترین کار ویژه او در این مرحله، روتین کردن وضعیت انقلابی بود. در این دوره دغدغه اصلی امام خمینی رحمته الله علیه نظام مند کردن و قانون‌مند کردن امور بود. در این راستا امام خمینی رحمته الله علیه در حکم انتصاب رئیس دولت موقت، وظایفی از قبیل فراهم کردن زمینه رجوع به فراندوم تعیین نظام سیاسی، تشکیل مجلس مؤسسان قانون اساسی، اداره کشور و... خواستار شد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۶، ۵۴-۶۱). برگزاری همه‌پرسی جمهوری اسلامی در فروردین ۱۳۵۸ و برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی در مرداد و همه‌پرسی قانون اساسی در آذر همان سال در راستای نظام‌مند و قانون‌مند کردن انقلاب اسلامی باهدایت و رهبری امام خمینی رحمته الله علیه بود که در ادامه مقاله به بررسی آنها می‌پردازم.

۴. نقش رهبری در تحولات پس از انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یکی از عوامل زمینه‌ساز انتظار است و هر قدمی برای ثبات و استواری آن، گامی در مسیر ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است. از این منظر حفظ و حراست از انقلاب اسلامی برای رهبران آن حائز اهمیت بود. امام خمینی رحمته الله علیه نسبت به مرحله بعد از پیروزی انقلاب دغدغه‌مند بود، چرا که حفظ انقلاب و تداوم آن، به مراتب از پیروزی آن دشوارتر است. در دوره ده ساله پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۸-۱۳۶۸) نقش تأثیرگذار امام خمینی رحمته الله علیه در رهبری و هدایت تحولات در مسیر حرکت استمراری و تکاملی انقلاب اسلامی جای انکار نیست. در این قسمت از مقاله به چند مورد از آن تحولات اشاره می‌شود:

تشکیل شورای انقلاب اسلامی

این شورا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل شد. هدف از تأسیس این شورا حل و فصل اعتصابات و فعالیت‌های اجرایی و تقنینی در بحبوحه پیروزی انقلاب اسلامی بود. دستور تشکیل این شورا را امام خمینی رحمته الله علیه (مركب از شخصیت‌های سیاسی - مذهبی) صادر کرد (فوزی، ۱۳۸۴ ش: ۱۵۷).

انتصاب رئیس دولت موقت

برای انتقال قدرت از رژیم شاهنشاهی به نیروهای انقلابی مثل بقیه انقلاب‌ها نیاز به تشکیل دولت موقت و پل قرار گرفتن میانه‌روها بود. امام خمینی رحمته الله علیه به پیشنهاد شورای

انقلاب اسلامی، مهندس مهدی بازرگان را برای این مسئولیت منصوب کرد. در حکم امام خمینی رحمته الله علیه خطاب به بازرگان، مأموریت‌هایی مثل تشکیل دولت، فراهم نمودن زمینه رجوع به رفراندوم تعیین نظام سیاسی، تشکیل مجلس مؤسسان قانون اساسی، برگزاری انتخابات مجلس شورای ملی برعهده وی گذاشته شده بود (موسوی خمینی، ۱۳۶۹ش: ج ۶، ۵۴-۶۱).

تئوریزه کردن و تأسیس نظام سیاسی

امام خمینی رحمته الله علیه از نیمه دوم سال ۱۳۵۷ نظام سیاسی جایگزین رژیم شاهنشاهی را «جمهوری اسلامی» اعلام و در مصاحبه با خبرگزاری‌های مختلف در پاریس و نیز در جلسات آن را تعریف و تئوریزه کرد. وی می‌گوید:

... ما خواستار جمهوری اسلامی هستیم، جمهوری، فرم و شکل حکومت را تشکیل می‌دهد و اسلامی، یعنی محتوای آن فرم، قوانین الهی است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ش: ج ۵، ۳۹۸).

یا:

جمهوری اسلامی به این معنی است که قانون کشور را قوانین اسلامی تشکیل می‌دهد، ولی فرم حکومت اسلامی جمهوری است. به این معنی که متکی بر آرای عمومی است (همان: ۲۴۰).

جمهوری اسلامی فصل جدیدی از ساخت قدرت و تجربه جدیدی از دولت مدرن در ایران است. امام خمینی رحمته الله علیه در همه‌پرسی سال ۱۳۵۸، از جمهوری اسلامی به عنوان نظام سیاسی مورد نظر حمایت کرد و از مردم خواست به این ساختار رأی بدهند. در رفراندوم مورد نظر بیش از ۹۸ درصد شرکت‌کنندگان به جمهوری اسلامی رأی موافق دادند.

قانونمند کردن انقلاب

منظور این است که بعد از تأسیس نظام سیاسی جمهوری اسلامی، این نظام نیازمند قانون اساسی به عنوان قانون عالی و سایر قوانین دارد. امام خمینی رحمته الله علیه این مهم را یکی از مأموریت‌های دولت موقت تعیین کرده بود. یعنی تأسیس مجلس مؤسسان قانون اساسی. در این راستا با هدایت و رهبری امام خمینی رحمته الله علیه انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی مشهور به خبرگان قانون اساسی در ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ برگزار گردید و این مجلس در ۲۸ مرداد با پیام امام خمینی رحمته الله علیه کار خود را در زمینه تهیه، تدوین و تصویب قانون اساسی شروع کرد. مجلس خبرگان ابتدا متنی را تهیه و طی چهار مرحله آن را در قالب قانون اساسی مصوب کرد. متن

قانون اساسی در تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۵۸ در قالب ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل به تصویب مجلس خبرگان قانون اساسی رسید و در تاریخ‌های یازده و دوازده آذر همین سال از طریق همه‌پرسی به رأی مردم گذاشته شد.

مقابله با جریان‌ها و گروه‌های تجزیه‌طلب

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌های تجزیه‌طلب در بعضی استان‌ها از جمله کردستان فعال بودند که امام خمینی رحمه‌الله‌عالیه برای مقابله با این جریان‌ها دستورات و رهنمودهایی به مسئولان مربوطه ارائه می‌دهند.

تأسیس نهادهای انقلابی

با توجه به چشم‌انداز انقلاب اسلامی در ایجاد تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالیه امام خمینی رحمه‌الله‌عالیه در مهندسی نظام سیاسی پس از انقلاب، تمامی سازوکارها از جمله تأسیس نهادهای جهادی و انقلابی را مدنظر داشتند. به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای:

... امام در ساخت و مهندسی نظام جمهوری اسلامی، همه عناصر و اجزائی را که می‌توانست این نظام را استوار و ماندگار کند، مورد ملاحظه قرار داد و با مهارت تمام این عناصر اصلی را در درون این بنای شامخ و استوار کار گذاشت... (بیانات در مرقد مطهر امام خمینی، ۱۳۸۰/۳/۱۴).

تأثیر تأسیس نهادهای انقلابی مثل سپاه پاسداران، بسیج، جهاد سازندگی، کمیته‌های انقلاب، کمیته امداد و... در بقاء و استمرار انقلاب اسلامی بر کسی پوشیده نیست.

فرماندهی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران رسماً از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ شروع و تا ۲۷ تیر ۱۳۶۷ ادامه داشت. فرماندهی و رهبری این دفاع بر عهده امام خمینی رحمه‌الله‌عالیه بود و هدایت و رهبری او به عنوان ولی فقیه و فرمانده کل قوا برای تمامی فرماندهان جنگ جنبه عقیدتی و ایمانی داشت و همین مسئله دلیل اصلی پیروزی رزمندگان ایرانی بر دشمن در این جنگ نابرابر بود.

حل و فصل ماجرای گروگان‌های آمریکایی

در جریان تصرف سفارت آمریکا در ایران توسط دانشجویان ایرانی، در آبان ۱۳۵۸، تعدادی از افراد مستقر در سفارت به گروگان دانشجویان درآمدند. درخصوص نحوه آزادی و محاکمه آنها دیدگاه‌های متفاوتی مطرح بود که امام خمینی رحمه‌الله‌عالیه طی دستوری مجلس شورای اسلامی

را مأمور بررسی و تصمیم‌گیری در مورد این مسئله کردند.

پذیرش قطعنامه ۵۹۸

پیروزی‌های رزمندگان ایران در سال‌های ۶۴ تا ۶۵ در عملیات‌های مختلف، رژیم بعث صدام و حامیان او را به فکر پایان دادن جنگ از طریق غیرنظامی انداخت. برای این منظور متوسل به شورای امنیت سازمان ملل متحد شدند. گرچه این سازمان قبلاً در خصوص جنگ عراق علیه ایران قطعنامه‌هایی صادر کرده بود ولی در این قطعنامه تا حدودی مجبور شدند بعضی خواسته‌های ایران از جمله معرفی متجاوز و پرداخت خسارات را بگنجانند. قطعنامه ۵۹۸ در تیر ۱۳۶۶ به وسیله شورای امنیت سازمان ملل صادر گردید. جمهوری اسلامی ایران با یک سال تأخیر در تیر ۱۳۶۷ قطعنامه را پذیرفت. امام خمینی رحمته‌الله علیه با صدور پیامی در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۶۷، علل پذیرش این قطعنامه را مطرح کرده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ۹۴-۹۲).

برکناری آیت‌الله منتظری

آیت‌الله حسینعلی منتظری به رغم نظر امام خمینی رحمته‌الله علیه در جلسه فوق‌العاده مجلس خبرگان رهبری در آبان ۱۳۶۴، به عنوان قائم مقام رهبری انتخاب گردید. این انتخاب در قانون اساسی پیش‌بینی نشده بود. وی در فروردین ۱۳۶۸ به دلایلی از این سمت کنار گذاشته شد.

دستور بازنگری قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۸ در قالب ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل تهیه، تدوین و تصویب شد. بعد از گذشت حدود ده سال و با درخواست بعضی نهادها امام خمینی رحمته‌الله علیه با اصلاح و بازنگری در آن موافقت کردند. وی در تاریخ ۱۳۶۸/۲/۴ طی حکمی خطاب به رئیس‌جمهور وقت (آیت‌الله خامنه‌ای)، با تعیین گروهی از مسئولان و مشخص کردن هشت محور، دستور بازنگری را دادند. شورای تعیین شده در محدوده زمانی مشخص مصوباتی درخصوص بازنگری در قانون اساسی ارائه داد که در همه‌پرسی مرداد ۱۳۶۸ به رأی مردم گذاشته شد. اصلاحات انجام شده در قانون اساسی شامل افزودن دو فصل و دو اصل به قانون اساسی بود که از نظر محتوایی قانون اساسی اصلاح شده سال ۱۳۶۸ تفاوت زیادی با قانون مصوب ۱۳۵۸ دارد.

موارد یاد شده بعضی از تصمیمات و کنش‌های امام خمینی رحمته‌الله علیه در مرحله بعد از پیروزی



انقلاب اسلامی، برای پایداری و ماندگاری آن بود. به جز چند مورد که مربوطه به دوران وضعیت انقلابی و شرایط خاص آن دوره بود، بقیه کنش‌ها و اقدامات امام خمینی رحمه الله به رغم دارا بودن شخصیت کاریزماتیک دینی و مذهبی در حل چالش‌ها، در چارچوب قانون اساسی مصوب بود. طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رهبر عالی‌ترین مقام رسمی کشور محسوب می‌شود، لذا تصمیم‌گیری در امور سخت و دشوار از عهده او برمی‌آید.

افزون بر این، در حالی که در روسیه بعد از انقلاب، دست به دست شدن قدرت در قالب رقابت‌های حزبی و روش‌های اقتدارگرایانه بود، در جمهوری اسلامی ایران بعد از رحلت امام خمینی رحمه الله در خرداد ۱۳۶۸، قدرت به آرامی و براساس معیارهای مکتبی و دینی و شرایط مندرج در قانون اساسی به آیت‌الله خامنه‌ای منتقل شد و وی همان مسیری را که امام خمینی رحمه الله برای رسیدن به تمدن اسلامی و زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تعیین کرده بود، با قدرت ادامه می‌دهد. از نظر وی انقلاب یک امر مستمر، یک حقیقت ماندگار و حقیقت دائمی برای رسیدن به حیات طیبه (بیانات ۱۳۶۸/۴/۱۱) و هدف نهایی نظام جمهوری اسلامی و آرمان جمهوری اسلامی، ایجاد تمدن اسلامی است (بیانات ۱۳۹۲/۶/۱۴). وی با اشاره به تأثیر انقلاب اسلامی در جهان (۱۳۹۳/۹/۶) و ضمن توجه به لزوم ابتدای نظامات جهانی بر حاکمیت تشریعی الهی، تحقق نوع حاکمیت را وعده خدا می‌داند (بیانات، ۱۳۸۵/۱/۲۵) و معتقد است «انقلاب اسلامی وظیفه خود می‌داند تا نه تنها در نظامات غیرالهی و ظالمانه موجود در عالم هضم نشود» (بیانات ۱۳۸۱/۳/۱۴) بلکه آنها را برهم بزند و در مسیری گام بردارد که منتهی به این حاکمیت شود.

نتیجه‌گیری

از بررسی اجمالی انقلاب اسلامی ایران و انقلاب ۱۹۱۷ روسیه نتایج ذیل قابل توجه است: به رغم تفاوت‌های دو انقلاب ایران و روسیه از منظر هستی‌شناسی و ایدئولوژی، این دو انقلاب از حیث ماهیت انقلابی همگونی‌هایی با هم دارند. اولاً هر دو انقلاب اجتماعی‌اند نه سیاسی. در انقلاب سیاسی حداکثر نوع نظام سیاسی تغییر می‌کند در حالی که در انقلاب اجتماعی این تغییر وسیع‌تر و شامل تغییر حکومت، تغییر در ساختارهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاست خارجی و نیز طبقه حاکم می‌شود. ثانياً در هر دو انقلاب میانه‌روها پل انتقال قدرت از رژیم قبلی به انقلابیون شدند. ثالثاً قبل از هر دو انقلاب رژیم استبدادی مستقر بود. در ایران سلسله پهلوی و در روسیه رومانوف‌ها.

دو انقلاب از منظر متغیر رهبری ناهمگونی‌هایی دارند: ۱. در حالی که در انقلاب اسلامی رهبران از نظر جایگاه طبقاتی جز طبقات محروم و مستضعف جامعه بودند، در انقلاب روسیه، رهبران از طبقات متوسط و بالای جامعه به حساب می‌آمدند؛ ۲. پیشگامی در انقلاب اسلامی عمدتاً با روحانیون بود. در حالی که در روسیه جلوداران روشنفکران و تحصیل کرده‌ها بودند؛ ۳. در انقلاب اسلامی ایران رهبری امام خمینی رحمه‌الله تام بود یعنی رقیب نداشت، در حالی که در انقلاب روسیه، رهبرانی مثل لنین، استالین، تروتسکی و... در سقوط رومانوف‌ها نقش متفاوت داشتند؛ ۴. در دوران ده ساله بعد از انقلاب فوریه روسیه، رهبری حزبی در قالب دیکتاتوری ظهور کرد، در حالی که در انقلاب اسلامی با گذشت حدود نیم قرن هم‌چنان قانون‌مداری و حضور مردم در صحنه‌های مختلف حفظ شده است؛ ۵. مهم‌ترین تفاوت رهبری در انقلاب اسلامی با انقلاب روسیه، در گستره رهبری، رهبر یا رهبران است. در انقلاب اسلامی رهبری امام خمینی رحمه‌الله فراگیر و شامل هر سه مرحله نهضت، انقلاب و نظام سیاسی بود. به عبارتی هر سه جلوه رهبری فکری، بسیج‌گر و مدیر را دارا بود. در انقلاب روسیه، ظهور و شهرت رهبران بیشتر در مرحله بعد از پیروزی بوده است و در مرحله نهضت‌سازی و ارائه مبانی و استراتژی انقلاب، رهبر شاخصی مطرح نبوده است.

منابع

نهج البلاغه

۱. احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸ ش)، *سیاست خارجی در دوران سازندگی، اقتصاد، دفاع، امنیت*، ترجمه: ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. ایزدی، بیژن (۱۳۷۱ ش)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، با همکاری: حسین صالحه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. باهنر، محمدجواد (۱۳۷۸ ش)، *مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چهارم.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۸۴ ش)، *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. تروتسکی، لئو (۱۳۶۰ ش)، *تاریخ انقلاب روسیه*، ترجمه: سعید باستانی، تهران: نشر فانوسا.
۶. جان فورن (۱۳۸۶ ش)، *نظریه‌پردازی انقلاب‌ها*، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی، سوم.
۷. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶ ش)، *انقلاب اسلامی ایران*، قم: نشر معارف، ویراست چهارم.

۸. حاجی انزهایی، محمدرضا (۱۳۹۶ش)، *صورت و سیرت انقلاب اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای*، تهران: انقلاب اسلامی، دوم.
۹. دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۹ش)، *درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۱۰. زمزم، علیرضا (۱۳۷۹ش)، *مطالعه تطبیقی تئوری انقلاب تروتسکی و انقلاب اسلامی*، پایان نامه ارشد دانشگاه اصفهان.
۱۱. زمزم، علیرضا (۱۳۹۷ش)، *درآمدی بر اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*، قم: معارف معنوی.
۱۲. عظیمی شوشتری، عباسعلی و دیگران (۱۳۹۷ش)، *نگرشی نوبه انقلاب اسلامی*، قم: زمزم هدایت.
۱۳. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۷۶ش)، *مجموعه مقالات درآمدی بر ریشه‌های انقلاب اسلامی*، قم: معاونت امور اساتید معارف.
۱۴. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۷۷ش)، *مجموعه مقالات رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی*، قم: معاونت امور اساتید معارف.
۱۵. فوزی، یحیی (۱۳۸۴ش)، *تحولات سیاسی - اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران*، تهران: نشر عروج.
۱۶. فوکو، میشل (۱۳۷۷ش)، *ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند؟*، ترجمه: حسین معصومی همدانی، تهران: هرمس.
۱۷. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۳ش)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: سمت، ویرایش سوم.
۱۸. محمدی، م (۱۳۷۰ش)، *انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب فرانسه و روسیه*، تهران: نویسنده.
۱۹. محمدی، منوچهر (۱۳۷۳ش)، *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران: امیرکبیر، پنجم.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷ش)، *آینده انقلاب اسلامی*، تهران: صدرا، بیست و هشتم.
۲۱. مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۰ش)، *سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی*، تهران: مفرس.
۲۲. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۷ش)، *بازخوانی، علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه‌پردازی‌ها*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۳. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۳ش)، *آئین انقلاب اسلامی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر

آثار امام خمینی رحمه الله علیه.

۲۴. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹ ش)، صحیفه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام

خمینی رحمه الله علیه.

۲۵. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۸۱ ش)، ویژگی های انقلاب اسلامی در آئینه مقام معظم رهبری، تهران: قدر ولایت، دوم.

۲۶. هلودی، موسی (۱۳۹۷ ش)، روشنائی آینده، آینده پژوهی انقلاب اسلامی در بیان حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، تهران: انقلاب اسلامی، دوم.

۲۷. تارنمای رسمی دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی:

www.Khamenei.ir